

زوم

معمولاً در کشور ما تولید و ساخت فیلم‌های مشترک با سایر کشورها نظیر «شکستن همزمان بیست استخوان» کمتر اتفاق می‌افتد؛ به نظر شما دلایل این امر چیست؟ برای افزایش تعداد این کسرها و پرداختن به مسائلی و مشکلات بین‌المللی مثل همین موضوع مهاجرت و وضعیت مهاجران در سایر کشورها که اتفاقاً در سراسر جهان امر اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

باید این امکان فراهم شود که یک فرد خارجی بتواند به ایران بیاید و یک اثر مشترک بسازد؛ البته تعدادی اثر کارگردان‌های ایرانی برای زمینه‌سازی در جهت تعامل با فیلمسازان سایر کشورها به مدخلی نظیر فرانسه و امرنستان سفر کرده و در آنجا به ساختن فیلم پرداخته‌اند که به دلایل محدود بودن این اقدام خیلی هم نمی‌توان آن را حرکتی مثبت و رو به جلو تلقی کرد؛ همکاری مشترک اثر آن طرف با مشکل رویه‌روست که به دلیل شرایط پیچیده و ویژه فیلمسازان در ایران، فیلمسازهای سایر کشور حاضر نیستند برای ساخت اثر بید بستی فراهم شود تا جریان اصلی سینمایی و فیلمسازی توسط سیاست‌گذاران به سمتی برود که همه بخوانند به ایران بیایند و در اینجا به فعالیت هنری بپردازند که البته بعید می‌دانم این اتفاق بیفتد؛ شاید این موضوع برای سیاست‌گذاران اثر اهمیت چندانی برخوردار نباشد تا بخوانند در جهت آن برنامه‌ریزی کنند و البته شاید هم نمی‌خواهند که چنین اتفاقی رخ دهد.

مضمون اصلی فیلم سینمایی «شکستن همزمان بیست استخوان» در باره افغانستان‌های مهاجر است و این اثر در ایران ساخته شده و بیشتر عوامل آن ایرانی هستند؛ به عقیده شما این فیلم تا چه حد توانسته رویکردی واقعیت‌درست این افراد باشد و در جذب مخاطبان افغانستانی موفق عمل کند؟ بازیگران این کار چقدر در ایفای نقش افغان‌ها موفق بوده‌اند؟

مهاجران افغانستانی با شرایط بسیار سخت و گرفتاری‌های متعددی در ایران مشغول زندگی هستند و شکن‌خندی آن‌ها ایده‌آل نیست؛ آن‌ها سال‌هاست که با این مشکلات مواجه هستند و تغییری هم در شرایط زندگی‌شان ایجاد نشده است؛ یکی از مدل‌های افغانستانی‌های مقیم ایران با آن رویه‌رو هستند؛ همین موضوعی است که در این فیلم به آن اشاره شده است و بیانگر این امر است که یک ایرانی نمی‌تواند به یک مهاجر افغان عضو اهد کند؛ این اثر درباره وضعیت غربی‌بندی این افراد چه پناهنده و چه پذیرفته‌شده در ایران است که بدون حقوق شهروندی که کمترین حق یک فرد محسوب می‌شود زندگی می‌کنند؛ من اثری که این فیلم به چه اندازه مخاطبان افغانستانی را جذب کرد اطمینان ندارم؛ به نظر من بازیگران این کار یعنی محسن تابنده و مجتبی پیرزاده در ایفای کار خود موفق بوده‌اند و من هر دوی آن‌ها را به عنوان فردی افغانستانی پذیرفتم.

کار کتری که در فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» ایفا کردید در عین کوتاهی در روند داستان بسیار تأثیرگذار بود؛ این موضوع یعنی تأثیرگذاری نقش، نظر مخاطبان این فیلم هم بوده است.

تأثیرگذاری این کاراکتر در روند فیلم به دلایل این است که این شخصیت در اوج اتفاقات و وارد داستان شده و با چالش‌هایی در مورد اهدای عضو مواجه می‌شود، هنگامی که متوجه می‌شود، فراس است عضو را به یک مادر اهد کند، فارغ از بحث مالی اهدا می‌پذیرد؛ یک نگاه غربی و عطوفی در این اثر وجود داشت که به نقش من مربوط می‌شد؛ پذیرفتن کاراکتر ناشناخته برای من ریسک بود چرا که ایفای این گونه نقش‌ها سخت است و امکان دارد خوب اثر نباشد؛ در نهایت اما من این ریسک را پذیرفتم و به کمک گروه کارگردانی، سایر عوامل فیلم و محسن تابنده توانستم این نقش را با بازی کنم؛ اینوارم که خوب از پس آن برآمده‌ام.

جدان طوسی که خودتان هم اشاره کردید به توجه به ویژگی‌های ناشناخته این شخصیت، چطور ریسک بازی در این کار را پذیرفتید؟ کاراکتری که بدون عامل مهم دیالوگ، به درستی اجرا شده است؛ برای باورپذیری نقش از چه تکنیک‌هایی بهره بردید؟ و به نظر شما به چه چیز گفتن دیالوگ چه فاکتورهایی در ایفای مناسب نقش موثر هستند؟ من اثر تکنیک خاصی استفاده نمی‌کنم بلکه باید نقش را درک و باور کنم؛ مهر و عطوفت نیمه‌در کاراکتر من در «شکستن همزمان بیست استخوان» نسبت به مادری و یک

شخص نیاخرمند، برابری جالب بود و باعث شد بزغری در آن را بپذیرم؛ برای ایفای درست این نقش سعی کردم خودم را در آن موقعیت قرار دهم تا درک عمیق و دقیقی از آن افراد و شرایطشان داشته باشم؛ در بازی دیگری باید ریسک پذیر بود، من هم این ریسک را پذیرفتم.

شما تاکنون در کارهای خوبی و قابل قبول بسیاری نظیر همین اثر و سریال مناسبتی «برادر جان» حضور داشته‌اید اما در بیشتر آن‌ها نقش مکمل داشته‌اید و کمتر شما را در قالب نقش اول دیده‌ایم؛ این انتخاب‌ها عمدی هستند و از علاقه شما نسبت به بازی در نقش مکمل ناشی می‌شود یا این که پیشنهادها در این راستا بوده‌اند؟

من بزغری در نقش‌های دوم را دوست دارم و نسبت به آن‌ها حس نسبت بیشتری دارم؛ چرا که بازی در این نقش‌ها برابر جای کار بیشتری دارد و چالش برانگیزتر است؛ شخصیت‌هایی مکمل نه مثبت خالص هستند و نه منفی صدهم؛ بنابراین نسبت به بزغری نقش‌های مکمل رغبت بیشتری دارم و ترجیح می‌دهم در فیلم‌های ایرانی نقش دوم را بازی کنم؛ چرا که ایفای نقش اول در این فیلم‌ها برابر چندان جذاب و جذاب نیست؛ البته اگر نقش اول هم به من پیشنهاد شود، صدهم‌صدا بازی آن را می‌پذیرم و همان‌طور که در گذشته نقش یک بازی کرده‌ام در آینده نیز این کار انجام خواهم داد؛ این که بیشتر نقش دوم بازی می‌کنم شاید از این امر هم ناشی شده که کار در تلویزیون را بیشتر به دلیل ارتباط با مردم، فعالیت در تئاتر که هیچ‌گاه بازی در آن را رها نخواهم کرد و بازی در سینما به دلیل هیجان انگیز بودنش در برنامه خودم قرار داده‌ام و نمی‌توانم به صورت تمام‌وقت در کارها حضور داشته باشم، بنابراین بازی در نقش‌های دوم مرا از این جهت که بتوانم در هر سه این مديوم‌ها فعالیت داشته باشم، ترجیح داده‌ام.

سعید چنگیزیان:

در بازی باید ریسک پذیر بود

